فرهیختگان
farhikhteganonline
WWW.FDN.IR

یادداشت

شوک به مدارس را تعطیل کنید

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه اندیشه

هفته گذشته مطلبی تحت عنوان تجربه آمریکایی نجات مدارس دولتی در صفحه جامعه روزنامه «فرهیختگان» کار شد. این مطلب که برگرفته از کتاب دایان ردیچ، مشاور جورج بوش بود نشان می‌داد چه شکل مقاومتی در مقابل خصوصی مدارس در آمریکا به موفقیت رسیده است و چگونه مدارس دولتی احیا شده‌اند. در بخشی از این یادداشت تحت عنوان خواسته اخلالگران بحثی ارائه می‌شود که آموزش خصوصی در مدارس آمریکا به بهانه آنکه زمان بیشتری برای دانش‌آموزان اختصاص دهد تا نمره بالایی را در آزمون‌ها کسب کنند سازوکاری را برای استخدام معلم‌های خود طراحی کرده‌اند که به جای جذب معلم‌ها به‌صورت کلاسیک از افرادی استفاده می‌کنند که با حقوق کمتر و صرفا گذراندن دوره‌های آموزشی پیش از تدریس به سرعت می‌توانند معلم شوند، حال آنکه این نگرش خود معلم را بیشتر از آنکه در حوزه تربیت فهم کند در حوزه بنگاه تجاری می‌گنجاند و مدرسه و بنگاه تجارتی را یک شکل فرض می‌کند.

اما از لحاظ تئوریک یا معرفت‌شناسی چه شد که این وضعیت در نظم آموزشی جهان و ایضا کشور ما شکل گرفت؟ امروزه شما با نگاه به شیوه اداره مدارس خصوصی در کشور ما مشاهده می‌کنید، معلمان بسیاری با حداقل حقوق و بدون بیمه و حتی تخصص خاصی با رشته‌هایی که مرتبط نیست در حال تدریس هستند اما چه شد که این وضعیت پدیدار شد؟

پائولو فریره از متفکران مکتب انتقادی درباره آموزش سه نکته مهم دارد که جای دارد درباره این نکات و وضعیت دقت بیشتری بکنیم.

۱. آموزش اساسا امری سیاسی است.

۲. بی‌طرفی دانش ناممکن است.

۳. عدالت هرگز جدا از فرآیندهای آموزش و آموختن نیست.

اگر بخواهیم به واکاوی این نکات بپردازیم، آنچه مشخص است شکلی از تفکر یا بهتر بگویم نظامی از دانش و قدرت در سیطره معرفتی جهان شکل گرفته که هر سه نکته فریره را نقض یا درمجموع رد کرده است.

آن تفکر را ما نظم دانش تاچریسم نام‌گذاری می‌کنیم. مارگارت تاچر که او را بانوی آهنین نام‌گذاری می‌کنند به‌عنوان اولین نخست‌وزیر بریتانیا مقطعی که به قدرت رسید هم‌زمان بود با افول دیدگاه‌های دولت رفاه در دنیا و سیطره تفکران اقتصاد همچون فدریش هایک؛ کلان‌ایده‌ای که هایک به تاچر تزریق کرد و تاچر هم برای رهایی از بحران به آن روی آورد نظم دانشی بود که برای قدرت گرفتن بیشتر یا برای حکمرانی به کار بسته شد. آن ایده را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: (مفهومی به نام جامعه وجود ندارد) که دولت بخواهد به آن خدمات دهد. درحقیقت پیوند تاچر و هایک علیه همه آرمان‌های جمع‌گرایانه و مساله مهمی مثل خیر عمومی بود. به‌نوعی دیگر خیر جمعی و عمومی از جمله عدالت بی‌معنا است و افراد برای رسیدن به مطلوب خود به جای آنکه از دولت مطالبه‌ای داشته باشند باید از خودشان مطالبه کنند و به شکلی خودشان مسئول فقر و نابرابری‌ها هستند نه سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت و وظیفه دولت صرف کمک به آزادی شهروندان است تا بتوانند خودشان به شکوفایی برسند!

اما این ایده و این نظم دانش برای آنکه تبدیل به قدرت شود و در قدرت پایدار بماند نیازمند بازتولید خود بود.

امر بازتولید ابتدا از طریق رسانه‌ها صورت می‌گرفت اما کم‌کم حمله به مدارس دولتی یکی از اهداف این نظم جدید بود.

در این نظم تربیت به روش کلاسیک آن که مساله‌ای مهم بود و زمان‌بر دیگر معنی ندارد؛ چراکه شما هنگامی که قصد تربیت به روش‌های نظم گذشته داشته‌اید، انسان صرفا سوژه اقتصادی نبود و در تعامل با دولت‌ها بود که شکل می‌گرفت به‌نوعی افراد جامعه در تلاش برای تحقق اهداف خود به دولت هم کمک می‌کردند و هم از دولت کمک می‌گرفتند اما در وضعیت نظم جدید این شرایط مطلوب قدرت نبود و قدرت هیچ مسئولیتی ندارد و صرفا شهروندان را برای نظم بازار و جامعه بازار آماده می‌کند که از حداقل‌ها برخوردار باشند و این شهروندان هستند که براساس درگیری در این نظم تربیت می‌شوند. به نوعی سوژه‌های انسانی فقط اقتصادی خوانش می‌شوند و در کلان‌رویداد دولت به جای آنکه بازار را نظارت کند، این بازار است که دولت‌ها را نظارت می‌کند. اگر تا اینجا متوجه شده باشید که نظم جدید چه کاری انجام داده است، پس آن بحث اولیه که معلمان در مدرسه بیش از آنکه به دنبال تربیت باشند شبیه به بنگاهی اقتصادی به دنبال حداکثر کردن سود برای خود و مدرسه هستند، از جمله پدیده‌های معلم خصوصی یا کلاس‌های فوق برنامه، نشان از این وضعیت می‌دهد اما حال که دانش جدید تاچریسم شوکی عجیب به معلمان و دانش‌آموزان داده است و به جای آنکه آنها را در راستای تربیت سوژه‌های مطلوب برای حکمرانی قرار دهد در نظمی بازارگونه آنها را صرفا برای به حداکثر رساند سود خود سوق داده است تکلیف نکات فریره چه می‌شود؟

۱. آموزش امری سیاسی است؟ طبیعی است که آموزش دیگر نمی‌تواند امر سیاسی به معنای مشخص خود یعنی نوعی فضیلت‌گرایی و جست‌وجوی حقیقت باشد و بیش از آنکه امر سیاسی باشد، سیاست‌زدایی شده است، به نوعی که مساله اصلا در حوزه و ساحت سیاست نیست بلکه سوژه‌های این نظم همه یا فروشنده هستند یا خریدار به تعبیری امر سیاسی معنی ندارد بلکه افق اصلی موفقیت پر سرعت در نظم بازار است که مدرسه فقط مثل پُلی است که خیلی طول ندارد و به سرعت باید از آن عبور کرد.

۲. بی‌طرفی دانش ناممکن است. در اینجا هم دانش بی‌طرف نیست اما مثل دست نامرئی آدام اسمیت کلان‌مساله‌ای را صورت اصلی کرده است چون در نظم جدید دیگر مسائل خیر عمومی و مصلحت جمعی معنا ندارد، در نتیجه دانش نمی‌تواند طرف منطقی قرار بگیرد به همین جهت صورت بی‌طرفی را اتخاذ می‌کند؛ درحالی که این دست نامرئی خیلی سخت‌تر از دیگر ایدئولوژی‌ها و پارادایم‌های دانشی طرف نظم خاصی قرار دارد اما چون ساحت قدرت که برای او مطلوب است ساحت فردی رادیکالی است، درنتیجه بی‌طرفی را یک نقطه مثبت برای خود معرفی کرده است و این یعنی معلم و دانش‌آموزان بدون دخالت در این نظم صرفا مثل رباتی در حال پیاده‌سازی اهداف این شرایط هستند.

۳. عدالت هرگز با آموزش و آموختن ارتباط ندارد، در شرایطی که نظم جدیدا رسما می‌گوید جامعه‌ای نیست و حتی خانواده‌ها هم آنچنان تاثیر ندارند و امثال تاچر به عدم جامعه تاکید دارد و جامعه یعنی همین سوژه‌های فردی رادیکال که باید در نظم جدید بازی کنند و موفق باشند در چنین شرایطی بحث درباره عدالت که در واقعیت امر جمعی و اجتماعی است در این موقعیت جدید محکوم به شکست خواهد بود؛ چراکه عدالت زمانی آموزش داده می‌شود و آموخته می‌شود که دولت و جامعه‌ای بخواهد در پس یک رفت و برگشت اهدافی را رهگیری و مشخص کند که به نفع جامعه و دولت است. به نظر می‌رسد آنچه به آن دقت نشده آن هم در کشور ما شوکی است که به دانش‌آموزان و معلمان وارد کرده است اما چون شکل نامرئی دارد متاسفانه فهمیده نشده است. کاش هرچه سریع‌تر شوک‌درمانی را به مدارس و نظم آموزشی خود متوقف کنیم.

ادامه از صفحه یک

۱۰ نکته در تحلیل بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم بزرگداشت امام خمینی(ره)

چهارچوب تحول خواهی

در بیانات ۱۴ خرداد ۱۴۰۲ مجددا به تحولگرایی امام بر مبنای قیام للّه پرداخته و به توسعه سطح تحلیل از سطح تحول در ملت ایران به تحول «در سطح کشور ایران، سطح امت اسلامی و در سطح جهان»[۱۰] پرداختند. این مساله نشان‌دهنده آن است که بحث تحولگرایی برای گام دوم انقلاب یک بحث راهبردی و ادامه‌دار بوده و لازم است برای تحقق این تحول طراحی ویژه و توجه ویژه شود. چرا که تحولی که لازمه گام دوم است، «لزوما یک حادثه دفعی نیست، [بلکه] گاهی تحول تدریجا انجام می‌گیرد.»[۱۱] اینکه ایشان پس از سه سال، در بیانات ۱۴ خرداد سال جاری سطوح تحول‌آفرینی امام(ره) را از سطح ملت ایران به سطح امت اسلامی و سطح جهان بشری توسعه دادند، نشان‌دهنده ظرفیت بحث از ساحات مختلف الگوی تحول‌آفرینی امام خمینی(ره) و لزوم زنده ماندن بحث تحول‌آفرینی امام(ره) برای گام دوم انقلاب است.

۴) سه سطح تحولی که امام(ره) ایجاد کرد، لازمه گام اول انقلاب بوده و برای گام دوم انقلاب نیز در این سه سطح باید برنامه‌ریزی کرد.

رهبر معظم انقلاب در بیانات ۱۴ خرداد ۱۴۰۲ به این نکته اشاره می‌کنند که «ما باید همان سه تحولی را که امام در داخل کشور، در سطح امت و در سطح جهان ایجاد کرد، تعقیب کنیم، دنبال کنیم، حفظ کنیم.»[۱۲] و این مسیر باید با الگوگیری از تحول آفرینی امام(ره) در گام اول، برای گام دوم انقلاب طراحی شود.

ایشان سه سطح تحول‌آفرینی امام را اینگونه بیان کردند:

۱. تحول در سطح کشور و ملت ایران از تبعیت از یک حکومت طاغوتی وابسته، به حکومت اسلامی و تبدیل ساخت سیاسی سلطنتی به مردم‌سالاری

تحول در سطح امت اسلامی که عبارت است از بیداری اسلامی و خروج از انفعال و ضعف در مقابل کشورهای استعماری

۳. تحول در سطح جهان بشریت از غلبه نگاه مادی به زنده شدن فضای معنویت و دین[۱۳]

لازمه گام دوم انقلاب، ایجاد تحول در همین سه سطح است که بر اساس فرمایشات ایشان عبارت است از:

۱. تحول در سطح کشور و ملت ایران که بر اساس نظر صریح ایشان عبارت است از «دولت‌سازی و جامعه‌پردازی» در سطح کشور و ملت ایران[۱۴]

«حفظ مقاومت و رشد دادن مقاومت، مجهز کردن مقاومت، احیای مادی و معنوی مقاومت»[۱۵]

«نقش‌آفرینی جدی در ایجاد نظم نوین جهانی»[۱۶] با نقش‌آفرینی فعال ایران قوی و حرکت به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی در مقابل تمدن مادی غربی.

۵) بحث از دو لایه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تحول و تاکید به نیروی نرم‌افزاری پشتیبان امام خمینی(ره) لازمه طراحی برای گام دوم انقلاب است.

رهبر معظم انقلاب ضمن تبیین دو لایه سخت‌افزاری یا ابزاری و نرم‌افزاری یا معنوی امام خمینی(ره) برای ایجاد تحول، امکانات سخت‌افزاری امام(ره) برای انقلاب و تحول را حداقلی و نزدیک به صفر (در حد کاغذ بیانیه و نوار صوتی سخنرانی‌های امام) دانسته و نیروی نرم‌افزاری ایشان را ایمان و امید ایشان معرفی کردند.[۱۷] در گام دوم انقلاب، امکانات سخت‌افزاری زیادی در اختیار جریان انقلابی است که قابل مقایسه با شرایط اول انقلاب نیست؛ آنچه باید این سخت‌افزار را به کار گیرد و موتور محرک آن باشد، ایمان و امید فزاینده‌ای است که در نسل دوم انقلاب باید بیش از پیش به وجود آید؛ نکته مهم اینجاست که «سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است.»[۱۸]

۶) تحلیل تمدنی در دولایه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌عنوان دستگاه تحلیلی برای توجه به مقتضیات زمان در گام دوم انقلاب ارائه شده است.

رهبر معظم انقلاب در تحلیل تمدن نوین اسلامی از دو سطح «سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تمدن»[۱۹] سخن گفته‌اند. به نظر می‌رسد آنچه براساس مقتضیات زمان متغیر است، بعد سخت‌افزاری تمدن یعنی تکنولوژی و ابزارها و... است و آنچه ثابت و درعین‌حال متکامل است، بعد نرم‌افزاری آن یعنی علم و فرهنگ و اخلاق و معنویت و... است.

در این سخنرانی نیز تاکید می‌کنند که بُعد سخت‌افزاری پشتیبان تحول‌آفرینی متغیر است و «در دوران هوش مصنوعی و کوانتوم و اینترنت و امثال این پیشرفت‌های علمی، نمی‌شود با همان شیوه‌های چهل‌سال قبل، دوران تلفن‌های کذایی و ضبط‌صوت‌های کذایی، با آن ابزارها امروز کار کرد. امروز برای پیشرفت این هدف، ابزارها بایستی متناسب با زمان انتخاب بشود.»[۲۰] اما آنچه ثابت است بعد نرم‌افزاری تحول است. همان ایمان و امیدی که نیروی نرم‌افزاری امام خمینی(ره) در تحول‌آفرینی در آغاز انقلاب بود، در گام دوم انقلاب نیز نیروی نرم‌افزاری تمدن سازی نوین اسلامی است و «باید برای ترویج ایمان و ترویج امید در ملت»[۲۱] تلاش کرد.

نکته مهم آن است که «جبهه‌بندی‌ها عوض نشده است، تغییر پیدا نکرده است و تغییر پیدا نخواهد کرد»؛ چراکه «جبهه دشمن، جبهه استکبار، جبهه زورگویی، جبهه صهیونیسم و قدرتمندان زورگو و متجاوز عالم، امروز هم مثل دیروز در مقابل ملت ایران صف کشیده‌اند.»[۲۲]

پس باید از آن نرم‌افزار ایمان و امید در قالب‌های نو و استفاده از سخت‌افزار و ابزار مناسب با زمانه برای ایجاد تحول در سه سطح ملی، امت اسلام و جهانی در افق گام دوم انقلاب بهره برد.

۷) تحلیل ایمان و امید به‌عنوان نرم‌افزار تحول آفرینی امام(ره) به‌عنوان دستاورد ما از راه ایشان برای گام دوم انقلاب اسلامی مدنظر است.

تاکید بر ایمان و امیدآفرینی در نسل دوم انقلاب نیز از همان صدور بیانیه گام دوم مورد توجه ایشان بوده است. بنابراین ایمان و امید نسل دوم انقلاب مهم‌ترین رکن تحول آفرینی برای گام دوم انقلاب اسلامی است.

چهار ایمان مطرح‌شده برای امام(ره) لازمه حرکت انقلابی در گام دوم نیز هست:

۱- «ایمان به هدف»[۲۳] یعنی ایمان به پیاده کردن و حاکمیت اسلام که باید به میزان داشته‌های گام اول انقلاب عمیق‌تر شود؛ چراکه حاکمیت اسلامی مدنظر امام(ره) با تشکیل جمهوری اسلامی باورپذیر شده است و اکنون باید حاکمیت جهانی اسلام به‌عنوان هدف مورد توجه قرار گیرد، یعنی باور به ضرورت تمدن‌سازی نوین اسلامی.

۲- «ایمان به راه»[۲۴] مبارزه و قیام‌لله از سطح فردی تا اجتماعی و تمدنی. قیام‌لله و مبارزه باید پایه و رکن تمدن سازی نوین اسلامی باشد؛ چراکه به تعبیر رهبر انقلاب هر تمدنی بر پایه مجاهدت محقق می‌شود. و لازمه این امر دشمن‌شناسی و جبهه‌بندی با دشمن است.

۳- «ایمان به مردم (جامعه‌ایمانی)»[۲۵] و استفاده از ظرفیت بی‌انتهای ملت. تاکید رهبر انقلاب بر اعتماد به مردم با ایمان برای جامعه‌سازی باز هم بر لزوم توجه به عنصر ایمان دلالت دارد. در جامعه ایران ایمان و جهاد مومنین، حقیقت و روح جامعه را شکل می‌دهد و مومنین انقلابی اگر مانند صدر اسلام، اقلیت هم باشند، جامعه‌ساز هستند. چه رسد به اینکه در جامعه‌ای مانند ایران جمعیت مومنان انقلابی اقلیت نبوده و از جهت کمی و کیفی رو به افزایش است.

۴- «ایمان به خداوند متعال»[۲۶] و وعده نصرت الهی برای مومنین مجاهد لازمه مقابله با طاغوت و جبهه استکبار و محل ابتلای ایشان است.

۸) دستگاه جامعه‌شناختی متفاوت رهبر انقلاب اسلامی از لوازم تحلیل درست مواضع ایشان و از لوازم امید به آینده انقلاب اسلامی است.

رهبر انقلاب اسلامی همانند امام خمینی(ره)، علامه طباطبایی(رض) و شهید مطهری برای جامعه هویتی فراتر از افراد آن قائل هستند. بر این اساس جامعه دارای حیات و روح و آگاهی و اراده بوده و تحلیل جامعه غیر از تحلیل فردگرایانه (اتمیستی) جامعه‌شناسی متداول غربی است. در این رویکرد روح کلی جامعه معادل جمع جبری نظرات و آرای افراد جامعه نیست که براساس پیمایش و نظرسنجی‌های متداول قابل سنجش باشد، بلکه افراد به میزان ایمان و امید و مجاهدتی که دارند نقش و حضور موثرتری در شکل‌گیری هویت و روح جمعی یک جامعه ایفا می‌کنند. این افراد هستند که خواص تاریخ‌ساز بوده و سرنوشت جوامع را رقم می‌زنند. نیروهای مومن و انقلابی می‌توانند هویت‌ساز و تاریخ‌ساز بوده و حتی اگر اکثریت جامعه نباشند، اما فئه قلیله‌ای باشند که روح کلی جامعه و اراده عمومی را رنگ انقلابی و الهی داده و جامعه‌پردازی کنند. چه رسد به اینکه این جریان انقلابی روزبه‌روز رو به افزایش از جهت کیفی و کمی باشد.

ایشان در ۱۹ دی ۱۴۰۰ در دیدار تصویری با مردم قم می‌فرمایند: «حالا گاهی اوقات انسان می‌بیند مثلا فرض کنید یک نظرسنجی‌هایی را درباره نظرات مردم ابراز می‌کنند، [اما] اینها حقیقت ملت ایران را نشان نمی‌دهد؛ حقیقت ملت ایران را جریان تشییع شهید سلیمانی نشان می‌دهد؛ اینها است که نشان می‌دهد ملت ایران چه حال‌وهوایی دارند، چه روز و روزگاری را می‌گذرانند، احساسات‌شان چیست، باطن‌شان چیست؛ یعنی یک عرصه‌ای به عظمت و پهنای کشور ایران و ملت ایران لازم است که بتواند حقیقت این ملت را و باطن این ملت را نشان بدهد. این نظرسنجی‌هایی که حالا بعضی باغرض یا بی‌غرض در گوشه‌وکنار انجام می‌دهند، نمی‌تواند ملاک باشد. خوشبختانه امروز فکر جوان‌های حزب‌اللهی مومن در کشور گسترده است. ما خوشبختانه امروز همراه هستیم با فکر انقلابی و مومن، فکر زاینده، فکر پیش‌رونده از سوی جمع کثیری از جوان‌ها.»[۲۷]

با همین مبنای تحلیلی در تحلیل اغتشاشات اخیر (پس از درگذشت مهسا امینی) در ۵ آذر ۱۴۰۱ در دیدار با بسیجیان فرمودند: «می‌گویند صدای ملت را بشنوید! صدای رعدآسای ملت در سیزدهمِ آبانِ امسال بلند شد؛ شنیدید؟ شما صدای ملت را بشنوید. مگر از تشییع جنازه شهید سلیمانی چقدر گذشته؟ آن جمعیت عظیم صدای ملت ایران بود، آن تشییع جنازه ۱۰ میلیونی یا شاید به یک معنا بیش از ۱۰ میلیونی صدای ملت ایران بود. امروز تشییع جنازه شهدا صدای ملت ایران است. تا یک نفر در اصفهان، در شیراز، در مشهد، در کرج، در هر جای دیگر شهید می‌شود، خیلِ جمعیتِ مردم راه می‌افتند شعار می‌دهند علیه تروریست، علیه اغتشاشگر؛ صدای ملت این است؛ شما چرا صدای ملت را نمی‌شنوید؟»[۲۸]

تغییر این دستگاه تحلیلی و محاسباتی به دستگاه متعارف موجود در الگوی نظرسنجی‌های اجتماعی منجر به ایجاد ناامیدی در جریان انقلابی و پیشران تحول می‌شود! و این یکی از معضلات امروز نخبگان جامعه‌شناس مومن و انقلابی است.

در سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۴۰۲ هم با همین مبنای تحلیلی شرایط اجتماعی و دینداری مردم را تحلیل می‌کنند و اشاره می‌کنند: «بعضی برای اینکه امید را در دل‌ها بکشند، اشاره می‌کنند به اینکه در لایه‌های اجتماعی، کسانی هستند که دغدغه دین و ایمان و انقلاب ندارند؛ خب بله، [اما] مخصوص امروز نیست؛ دهه ۶۰ هم که جبهه‌ها آن‌جور مملو و سرشار از جوان‌های مؤمن بود، یک عده‌ای در شهرهای بزرگ، در تهران، بی‌خیال و بی‌اعتنا راه می‌رفتند، نه فقط احساس مسئولیت نمی‌کردند، مسئولین را مسخره هم می‌کردند! شما نگاه کنید شرح‌حال شهدا و رزمنده‌ها را؛ اینها وقتی که می‌آمدند در شهرهای بزرگ ـ به‌خصوص شهرهای بزرگ ـ احساس دلتنگی می‌کردند که [این] به خاطر همین پدیده بود. دهه ۶۰، دهه اول انقلاب، از این حوادث وجود داشت؛ این جای تعجب ندارد. امروز هم البته هستند کسانی که نه به انقلاب، نه به اسلام و حتی نه به تعهد ایرانی پایبند نیستند؛ بله، اما ملت ایران اینها نیستند. در زمان خود رسول اکرم هم یک عده‌ای عاشق شهادت بودند، مشتاق جهاد بودند، اگر امکانِ رفتن به جبهه نداشتند گریه می‌کردند، یک عده‌ای هم در مدینه بودند که «مَرَدوا عَلَـی النِّفاق» قرآن درباره آنها می‌گوید «مَرَدوا عَلَی النِّفاق»، یا یک جای دیگر [می‌گوید:] «لَئِن لَم یَنتَهِ المُنافِقونَ وَ الَّذینَ فی قُلوبِهِم مَرَضٌ وَ المُرجِفونَ فِی المَدینَة»؛ در خود مدینه پیغمبر، کسانی بودند که قرآن از آنها به «مُرجِفون» تعبیر می‌کند؛ شایعه‌پراکنان، ترس‌پراکنان، تردیدپراکنان، شبهه‌پراکنان؛ در زمان پیغمبر! تازه در زمان پیغمبر نه اینترنت بود، نه شبکه‌های اجتماعی بودند، نه این‌همه تلویزیون بود. امروز با وجود همه این دستگاه‌ها، شما نگاه کنید ببینید جوان ایرانی چه عظمتی از خود نشان می‌دهد!»[۲۹]

۹) تأکید رهبر انقلاب بر متراکم‌سازی جریان انقلابی در مسیر جامعه‌پردازی با راهبرد توسعه هسته‌های مقاومت مردمی به‌عنوان یک راهبرد در تحول‌آفرینی باید مدنظر قرار گیرد.

براساس دستگاه تحلیلی و جامعه‌شناختی رهبرمعظم‌انقلاب، برای نقش‌آفرینی جوانان مومن و انقلابی، راهبرد متراکم‌سازی آنها از طریق ایجاد هسته‌های مقاومت فراگیر در میدان‌های مختلف که همان ایده بسیج نیروهای مردمی در گام اول انقلاب است، مدنظر ایشان است. این متراکم‌سازی در قالب هزاران هسته مقاومت موجب تقویت ایمان جمعی و امید و تحول‌آفرینی این هسته‌ها می‌گردد:

«امروز در سرتاسر کشور، هزاران هسته مقاومت در مساجد و در هیات‌ها داریم؛ از این هسته‌های مقاومت، جوان‌هایی برمی‌خیزند به عنوان مدافع حرم، جوان‌هایی برمی‌خیزند به‌عنوان مدافع امنیت، جوان‌هایی برمی‌خیزند به عنوان بسیجی دانشجو. نقطه امیدآفرین این است که در این تلاش همه‌جانبه دشمن، شما می‌بینید در چنین شرایطی که دشمن شمشیر را از رو بسته، دانشجوی انقلابی در فلان دانشگاه فحش ناموسی می‌شنود، از میدان خارج نمی‌شود؛ طلبه بسیجی زیر شکنجه به شهادت می‌رسد، حاضر نیست حرفی را که دشمن می‌خواهد بر زبان جاری کند. مجاهدان فداکار، مدافعان حرم، فعالان سخت‌کوش جهاد تبیین، گروه‌های کمک مؤمنانه، اردوهای جهادی، اینها همه جوان‌های این کشورند. با وجود اینترنت، با وجود شبکه‌های اجتماعی، با وجود این همه لغزشگاه‌ها، جوان‌های ما در این راه دارند حرکت می‌کنند. گاهی اوقات شما می‌بینید از یک روستا یک شخصیت منور و نورانی برمی‌خیزد؛ از یک روستای اطراف شهریار یک جوان فداکار و نورانی مثل مصطفی صدرزاده به وجود می‌آید. ما از این مصطفی‌های صدرزاده در تمام سرتاسر کشور بسیار داریم، هزاران داریم؛ اینها همه امیدبخش است. ما همه وظیفه داریم؛ نخبگان وظیفه دارند؛ هسته‌های انقلابی وظیفه دارند؛ فعالان دانشگاهی، فعالان حوزوی، صاحبان جایگاه‌های اجتماعی به‌ویژه کسانی که حرف آنها به گوش مردم می‌رسد، مردم حرف آنها را می‌شنوند، اینها وظیفه دارند؛ وظیفه این است که ایمان‌ها را تقویت کنند، امیدها را تقویت کنند، شبهه‌ها را برطرف کنند، شیوه‌های دشمن در شبهه‌آفرینی و یأس‌آفرینی را خنثی کنند.»[۳۰]

۱۰) به انتخابات مجلس در سال جاری به عنوان یک رزمایش و آزمون پیشِ رویِ این کانون‌های متراکم جوان و مردمی نگریسته شود.

یکی از مهم‌ترین آزمون‌های پیشِ رویِ این هسته‌های مردمی در سال جاری، آزمون بزرگ انتخابات انتهای سال است که پس از ماجرای اغتشاشات سال گذشته و جنگ ترکیبی و شناختی دشمن علیه ملت ایران با هدف ایجاد بی‌اعتمادی و ایجاد شکاف میان اقشار مختلف مردم و نیز میان مردم و مسئولان از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا یکی از تکالیف این کانون‌های مردمی آغاز فعالیت جدی و برنامه‌ریزی‌شده در مدت‌زمان باقی‌مانده تا انتخابات است تا با گسترش جهاد تبیین در این عرصه، زمینه مشارکت حداکثری و پرشور عموم مردم را برخلاف خواست و برنامه دشمنان فراهم آورند. رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرمایند: «این انتخابات، انتخابات بسیار مهمی است و دشمن از همین حالا توپخانه‌های خودش را به طرف این انتخابات روشن کرده، مشغول بمبارانِ انتخاباتی است که هنوز حداقل نُه ماه فاصله داریم تا آن انتخابات. باید ان‌شاءالله ملت ایران، جوانان عزیز این بیداری را، این هشیاری را، این انگیزه را، این ایمان و امید را روزبه‌روز افزایش بدهند و دشمن را ناکام کنند.»[۳۱]

پی‌نوشت

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران - ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۲. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۳۹۹/۰۳/۱۴.

۳. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۳۹۹/۰۳/۱۴.

۴. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران - ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۵. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران - ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۶. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران - ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۷. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران - ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۸. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران - ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۹. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۳۹۹/۰۳/۱۴.

۱۰. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۱۱. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۳۹۹/۰۳/۱۴.

۱۲. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۱۳. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۱۴. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران - ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

۱۵. بیانات در دیدار خانواده و اعضای ستاد بزرگداشت شهید حاج قاسم سلیمانی - ۱۴۰۱/۱۰/۱۱.

۱۶. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - ۱۴۰۱/۰۲/۰۶.

۱۷. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۱۸. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران - ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۱۹. بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۲۰. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۲۱. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۲۲. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۲۳. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۲۴. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۲۵. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۲۶. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۲۷. بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم - ۱۴۰۰/۱۰/۱۹.

۲۸. بیانات در دیدار بسیجیان - ۱۴۰۱/۰۹/۰۵.

۲۹. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۳۰. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۳۱. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.